روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۷۰ | پنج‌شنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۹ | ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ |
غروب آفتاب: ۲۰:۲۳ | اذان مغرب: ۲۰:۴۴ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۸ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۷ |


نقد کتاب | رامین جهان‌پور

### نگاهی به مجموعه داستانک‌های «سنگر علاف‌ها»

## جنگ با چاشنی شوخی و خنده

از زمانی که جنگ تحمیلی شروع شد تا به حال نویسندگان زیادی قلمشان را در سبک‌های مختلف نوشتاری در زمینه ادبیات پایداری و دفاع مقدس آزموده‌اند و بالطبع هر مخاطبی طبق سلیقه مطالعاتی خودش سراغ کتابی رفته که دوست می‌داشته است. نکته دیگر اینکه هر نویسنده با زاویه دید مختص خودش به جنگ نگاه کرده و برداشت فکری خودش را از هشت سال دفاع مقدس روی کاغذ آورده است. خیلی از نویسندگان این شاخه از ادبیات تلخ‌ترین و سخت‌ترین لحظه‌های جنگ را به صورت نوشته درآورده و منتشر ساخته‌اند و بعضی از نویسندگان هم برای ثبت لحظه‌های جنگ که گوشه‌ای از تاریخ زندگی مردمان این سرزمین است سراغ نوشته‌هایی رفته‌اند که در ساختار آن خبری از تلخ‌نویسی و تراژدی نیست. در هر حال نگاه نویسندگان جنگ به این قضیه همیشه متفاوت باهم بوده و این تفاوت‌های نگارشی و سبک‌شناسی است که ادبیات داستانی را با شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوتش شیرین و جالب توجه می‌سازد.

اکبر صحرایی یکی از نویسندگان مطرح ادبیات جنگ است که در جدیدترین کتابش جنگ را با همه مصائب و سختی‌های ویرانگرش، از زاویه طنز و شوخی نگاه کرده است تا ثابت کند در سخت‌ترین شرایط زندگی هم می‌توان لبخند زد و ناامیدی را از خود دور ساخت و هم اینکه تمام خاطرات جبهه تلخ و وحشتناک نیست بلکه لحظه‌های شیرین و شاد و خاطره‌انگیز جبهه هم در کنار رفقا زیاد است. «سنگر علاف‌ها» یک مجموعه داستان به هم پیوسته در مورد جنگ است که از ۵۵داستانک طنزآمیز تشکیل شده است. شخصیت اول داستان شخص رزمنده‌ای به نام «دار علی» است که نامش در کتاب‌های دیگر نویسنده هم به چشم می‌خورد. او که تمام بروبچه‌های رزمنده و حتی فرماندهان سنگر هم به شیرین کاری‌هایش عادت کرده‌اند به همراه چند تن دیگر از همرزمانش بیشتر اوقات در جبهه خرابکاری می‌کنند و رفتار آنها باعث می‌شود طنز «موقعیت» در ساختار این مجموعه داستان شکل بگیرد، البته در کنار خرابکاری گاهی کارهای خلاقانه‌ای هم از آنها سر می‌زند. داستان‌های این کتاب به نوعی به هم وصل هستند و کاراکترهایی مثل «مش رجب»، «ایاز»، «دارعلی» و... در ماجراهای هر ۵۵ داستانک کتاب حضور دارند. دارعلی هم شخصیت اول داستان است که به زبانی شیرین از زبان اول شخص مفرد داستان را برای مخاطب بیان می‌کند، البته در ادبیات طنز دفاع مقدس پیش از این ما کتاب‌هایی داشته‌ایم که مقوله جنگ را با نگاهی شوخ‌طبعانه و طنازانه به مخاطب ارائه داده‌اند که به عنوان نمونه می‌توانیم از کتاب‌های «گردان قاطرچی‌ها» نوشته داوود امیریان و «ماجراهای اکبر کاراته» نوشته شهید مجید صالحی حاجی‌آبادی نام ببریم. اما نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که «لودگی» با «طنزنویسی» فرق می‌کند، خصوصاً اگر بخواهیم یک داستان طنز بنویسیم چون حکایت «فکاهی‌نویسی» و «بذله‌گویی» در مطبوعات طنز، حسابش کاملاً از این مبحث جداست و مقوله طنز مقوله بسیار سختی در ادبیات است. خیلی راحت می‌توان کلمه «طنز» را بر پیشانی یک کتاب قرارداد، اما مهم این است که چقدر در قواعد طنزنویسی و شاد کردن مخاطب آن هم از راه اصولی و منطقی‌اش موفق باشیم. اکبر صحرایی در شروع داستان اشاره‌ای دارد به یک پیرمرد ناتوان رزمنده به نام «کل ایاز» که به هر حال بنا به دلایلی به جبهه آمده است، در همان آغاز داستان نویسنده او را یک «پیرمرد زهوار در رفته» معرفی می‌کند. القاب مستقیم دادن به کاراکترهای یک داستان را باید مخاطب در حرکات و رفتار شخصیت داستان ببیند و درکش کند اما لقب دادن‌های اینچنینی در طنزنویسی گاهی نتیجه معکوس دارد و نه تنها توهین به کاراکتر داستان محسوب می‌شود بلکه گاهی این سبک پرداخت، به شدت توی ذوق خواننده می‌زند. طنزنویسی برخلاف تصور خیلی‌ها یکی از سخت‌ترین سبک‌های نوشتاری در ادبیات است. مجموعه داستان «سنگر علاف‌ها» با ۸۴صفحه در سال ۹۸ توسط انتشارات به‌نشر به بازار کتاب آمده است.

کتاب

## «سکوت شکسته» پس از سال‌ها منتشر می‌شود

**«سکوت شکسته» روایتی جذاب و واقعی از خاطرات یکی از فرماندهان اطلاعات و شناسایی عملیات منحصربه‌فرد کربلای یک است که پس از سال‌ها توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود.**

«سکوت شکسته» روایتی است جذاب و خواندنی از خاطرات محمود پاک‌نژاد، فرمانده اطلاعات عملیات لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) در هشت سال دفاع مقدس که تنها دلیلش برای شکستن این سکوت لبیک به فرمان رهبر معظم انقلاب است که فرمودند: «رزمنده‌ای که خاطراتش را ثبت نکرده، مأموریتش پایان نیافته است...».

# شنای قورباغه جوکر در سالن‌های خالی سینما

### حتی اگر دولت سینماها را تعطیل نکند، بلیت‌فروشی‌ها نشان می‌دهد سالن‌ها خالی است

■ **محمدصادق عابدینی**

**سالن‌های سینماها در تهران هنوز باز هستند ولی تعداد افرادی که به سینماها می‌روند آنقدر کم است که سالن‌ها تقریباً خالی است. با این شرایط سازمان سینمایی امیدوار است با پاکیزه نگه داشتن سالن‌های سینماها دولت را متقاعد کند حکم به تعطیلی مجدد سینما ندهد.**

نگاهی گذرا به وضعیت فروش بلیت در سامانه‌های آنلاین فروش بلیت سینما نشان می‌دهد سالن‌های بزرگ سینما ها در پردیس‌های مدرن تهران در هر سانس فقط با چند صندلی فروخته شده فیلم را اکران می‌کنند. برخی از فیلم‌ها هم که حتی یک بلیت فروخته شده ندارند، صرفاً برای بسته نشدن درهای سالن‌ها اکران می‌شوند. در این شرایط و برخلاف تصور اولیه که ادعا می‌شد بازگشایی سینماها با استقبال روبه‌رو خواهد شد، مردم ترجیح می‌دهند در این شرایط هر جایی بروند غیر از سینما!

■ **ما از تجربه چین درس نگرفته‌ایم!**

دولت چین به دلیل نگرانی از انتشار ویروس کرونا، از تصمیم قبلی برای بازگشایی سینماها منصرف شد. سینماها در چین به خاطر شیوع کرونا تعطیل شدند و صرفاً بعد از بازگشایی کوتاه‌مدت دوباره به خاطر افزایش مبتلایان به کرونا، دولت این کشور دستور به تعطیلی سینماها داد. این دستور همچنان هم پابرجاست و دولت چین به رغم اعتراض سینمادارها و ورشکستگی چند هزار سالن همچنان بر پروتکل‌های سختگیرانه پافشاری می‌کند. تجربه چین می‌توانست تجربه ارزشمندی باشد به شرط اینکه در ایران نیز حکم به بازگشایی سینماها فراتر از مسائل احساسی بود. درآمد چندمیلیارد دلاری سینمای چین و اکران‌های بین‌المللی در این کشور به طور کل با سینمای بسته و کم‌مخاطب ایران متفاوت است، حتی شرایط شیوع کرونا در ایران با آنچه در چین می‌گذرد نیز متفاوت است و برخلاف اوج‌گیری موج دوم کرونا در ایران در چین مدیریت سختگیرانه باعث شده است میزان جمعیت مبتلا روند نزولی داشته باشد.

**طباطبایی‌نژاد: تلاش می‌کنیم محیط سینما امن و پاکیزه باشد و تماشاگران با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی به تماشای فیلم‌ها بنشینند**

■ **سینماها پاکیزه می‌مانند!**

وزارت بهداشت از محدودیت‌های جدید برای کاهش میزان شیوع کرونا خبر داده است. یکی از بندهای این محدودیت‌ها تعطیلی فعالیت‌های فرهنگی است که سالن‌های سینما را نیز شامل می‌شود.

اگر چه هنوز این محدودیت‌ها اعمال نشده، ولی زنگ خطر برای سینماها در مشهد و تهران به صدا درآمده است. سیدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون سازمان سینمایی می‌گوید: «تا زمانی که ستاد ملی کرونا سینماهای تهران را تعطیل نکرده ما تلاش می‌کنیم محیط سینما برای مخاطبان امن، پاک و پاکیزه باشد و تماشاگران با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی به تماشای فیلم‌ها بنشینند. تمام نکات ایمنی هم در سینماها رعایت می‌شود.

امیدواریم سینماها تعطیل نشود.» اما صرف پاکیزه بودن سینماها باعث نشده است مردم برای تماشای فیلم به سینماها بیایند. به نظر می‌رسد اصولاً مردم برای سینما رفتن دلایل دیگری به غیر از پاکیزه نبودن سینما دارند.

■ **«شنای پروانه» در حوض سالن‌های خالی**

دو فیلم «شنای پروانه» و «خوب، بد، جلف ۲» در حال اکران هستند، سالن‌های اکران کننده این دو فیلم به گواه سایت‌های فروش بلیت تقریباً خالی هستند. تصور اولیه این بود که این دو فیلم می‌توانند به خودی خود مردم را به سینماها بکشانند و افتتاحیه باشکوهی برای بازگشایی سینماها باشند ولی آنچه رخ داد فروش متوسط «شنای پروانه» و اکران ناامیدکننده «خوب، بد، جلف ۲» بود.

■ **«پیشی‌میشی» هم از اکران انصراف داد**

فیلم کودکانه «پیشی میشی» از اکران انصراف داد. این فیلم که قرار بود از ۲۵تیرماه در سالن‌های سینما اکران شود، با تصمیم تهیه‌کننده آن از حضور در سینماها انصراف داد. احمد احمدی تهیه‌کننده این فیلم می‌گوید: «درخواست ما برای اکران «پیشی‌میشی» به قبل از موج تازه کرونا بازمی‌گردد. ما بر اساس آنچه اعلام شده بود تصور می‌کردیم زیرساخت‌های لازم برای اکران آماده است، کرونا هم فروکش کرده و قرار بود همه سینماها باز شوند اما حالا با گسترش دوباره کرونا و تعطیلی دوباره سینماها به خصوص در شهرستان‌ها، چاره‌ای جز انصراف از اکران نداریم.» تهیه‌کننده فیلم‌های «ردکارپت» و «لازانیا» در ادامه خاطرنشان می‌کند: «پیشی‌میشی یک فیلم مستقل است که بدون هر گونه کمک و وام دولتی ساخته شده و به عنوان بخش خصوصی، اکران فیلم در این شرایط دشوار است و می‌تواند به نابودی فیلم مبدل شود. شرایط فعلی نیازمند حمایت است، از طرف دیگر مخاطب این فیلم خانواده و کودکان هستند و با شرایطی که کرونا به وجود آورده، حفظ سلامت مخاطبان سینما مهم‌تر است، لذا تصمیم گرفتیم از اکران این فیلم انصراف بدهیم.»

■ **فیلم خارجی، ایده مضحک اکران**

شکست اکران فیلم‌های داخلی و انصراف تهیه‌کننده‌ها از اکران باعث نشده است تا طرح‌های عجیب و مضحک در سینماها اجرا نشود. هم اکنون سه فیلم خارجی برای اکران در سینماها انتخاب شده‌اند. فیلم «۱۹۱۷» صرفاً به خاطر اینکه ممیزی لازم ندارد در سینماها اکران می‌شود.

دو فیلم دیگر «جوکر» و «احضار ۲»، هستند. حضور این فیلم‌ها بر پرده سینماها در شرایطی رخ می‌دهد که نسخه کامل آنها به همراه زیرنویس فارسی و حتی دوبله شده در سایت‌های دانلود فیلم آپلود شده و از ماه‌های پیش تاکنون علاقه‌مندان به سینمای جهان آنها را تماشا کرده‌اند.

نمایش فیلم‌هایی که اکران جهانی آنها گذشته است و هیچ امتیازی برای بیننده ایرانی ندارند، به دلایلی نامعلوم سر از سالن‌های سینمای ایران درآورده‌اند و فروش بلیت آنها آنقدر ناامیدکننده است که به نظر نمی‌رسد اکران طولانی‌مدتی داشته باشند.

در صورت تداوم شرایط افزایش مبتلایان به کرونا و تغییر شرایط کرونا از هشدار به قرمز در تهران، این احتمال وجود دارد که در روزهای آینده سالن‌های سینماها تعطیل شوند.

حکمت

امام علی(ع):

**به راستی خیراندیش‌ترین مردم نسبت به خویش، فرمانبردارترین ایشان از پروردگارش و خودفریب‌ترین آنها، نافرمان‌ترینشان از خداست.**

**گزیده تحف‌العقول**

نما | حسین کشتکار

## کلاف سر در گم «پسر کشی»!

■ **افشین علیار**

«پسر کشی» ششمین فیلم محمدهادی کریمی در ادامه پنج اثر قبلی‌اش فیلمی ضعیف و الکن است، این فیلم به دلیل نارسایی در ایده‌پردازی و انسجام نداشتن در نگارشِ فیلمنامه نتوانسته در قالب و چارچوب خاصی به یک فیلم سینمایی بدل شود، بنابراین در حد و اندازه یک طرح مانده و تکلیف فیلمساز با خودش مشخص نیست، به‌طوری که انگار با یک اثر سفارش شده از سوی میراث فرهنگی طرف هستیم، فیلم فاقدِ چفت و بست دراماتیک است و کریمی نتوانسته قصه‌اش را با جذابیت‌های مرسوم ژانری پیوند بزند چراکه با فیلمی طرف هستیم که در ژانر معلق مانده است. «پسر کشی» در ژانرهای ملودرام و جنایی و وحشت و البته معمایی بلاتکلیف است و اساساً فیلمساز نمی‌داند چگونه و از چه طریقی روایت‌پردازی کند و این شگرد کریمی است که طرح مضامین می‌کند اما نمی‌تواند این مضامین را در ابعاد و چارچوب استاندارد گسترش بدهد، بنابراین آنچه در پسر کشی طرح می‌شود با اینکه آغاز درستی دارد و می‌توانست کشش لازم را برای یک اثر منسجم داشته باشد توان لازم برای شکل‌گیری یک فیلم سینمایی را ندارد. «پسر کشی» تا حدودی مخاطب را به یاد فیلم «لیلا» می‌اندازد اما خط اصلی فیلم با شکست زمانی از گذشته تا حال به شکلی مجهول در زمان و مکان جلو می‌رود و فیلمساز به جای شخصیت‌پروری ترجیح می‌دهد شمایل اثرش را حفظ کند، به طوری که ما با چند تیپ بی‌کارکرد که در صحنه رفت و آمد می‌کنند مواجهیم؛ تیپ‌هایی که حتی نام هم ندارند و در همان اوایل فیلم مرد فقط چند دیالوگ بی‌کارکرد ضد زن می‌گوید و در ادامه مادرِ(نسیم ادبی) این مرد را که فاصله سنی‌اش هم رعایت نشده است، به علاوه چند گریه و زاری و یک عروسی نصفه و نیمه می‌بینیم و کات به زمان حال. اساساً فیلمساز می‌توانست در همان سکانس‌های اول چارچوب‌های پرداخت درام و چگونگی بافت موضوعی و درگیری یک زن و هوو را به ساده‌ترین شکل ممکن بیان کند اما روند و پیکره شکل‌گیری آنقدر سست است که ورود دختر (بهاره کیان‌افشار) به زندگی پسر (آرمان درویش) را نمی‌توانیم بپذیریم. ورود یک باره دختر به خانه شباهت به یک نظافتچی دارد و چه راحت مادر(ژاله صامتی) حضور دختر را در خانه می‌پذیرد، دختر هم نمی‌تواند تبدیل به شخصیت شود؛ او به عنوان یک فرد روان‌پریش ظاهر می‌شود اما انگار به دنبال حق و حقوقش است اما چرا فیلمساز دختر را به این اندازه عقب افتاده ترسیم کرده است، یعنی تمامی آدم‌های فیلم به شکلی نارسند و نمی‌توانند در یک نقش مستقل ظاهر شوند. «پسر کشی» به معنای درست کلمه یک اثر ضدزن است زن‌ها در این فیلم تحت تاثیر سلطه‌جویی یک مرد قرار گرفته‌اند و یک مرد کانون خانواده را بر هم زده است، آن مادر هم که علاقه به مرد بودن دارد هم به شدت کاریکاتوری است، بنابراین فیلمساز با تخریب نقش زن قصد داشته فیلمش را روایت کند اما این روایت آنقدر سطحی و دست و پاشکسته است که مخاطب نمی‌تواند فیلم را همراهی کند، به طوری که مقطع حال به دلیل نوع ساختاری و پرورش موضوعی پتانسیل حداقلی برای جذب مخاطب را ندارد و دلیل مهم آن عدم‌انگیزه فیلمساز در ترسیم یک قصه هدفمند بوده و اینکه چرا هادی کریمی نمی‌تواند قصه‌اش را در مسیری منسجم و کلاسیک بیان کند، می‌تواند یک سؤال مهم باشد. او به شدت سعی دارد با پرداخت مثلاً مینی‌مالیستی به هدفش برسد که در هیچ کدام از آثارش نرسیده است، او بیشتر سینمای خرده‌پیرنگ را می‌پسندد، به طور مثال حضور استاد در این فیلم چه کارکردی دارد؟ چرا خواهرها از بیشتر نماهای مهم حذف شده‌اند؟ حضور چهار خواهر به طور همزمان می‌توانست قصه را به سمت و سوی دیگری ببرد.

«پسر کشی» در ساختار هم نمی‌تواند فیلم مهمی باشد، فیلمساز فکر کرده حرکات بی‌ربط دوربین و فوکوس کشی در هر نما باعث ایجاد فرم یا تکنیک می‌شود! در یک نمای دونفره دوربین چرا باید زوم یا زوم‌بک کند؟ فیلمساز در محتوا و اجرا کم گذاشته است؛ استفاده کامپیوتری از فضای شهری قدیم به شدت یک شوخی تلقی می‌شود و همچنین اتصال نماها که بی‌منطق است، این موارد نشانی از عدم ذوق کریمی در فیلمسازی تلقی می‌شود و البته بازی‌های ضعیف را نیز به نکات منفی این فیلم اضافه کنید؛ آرمان درویش برای این نقش یک ریسک به نظر می‌رسد اکت و ری‌اکشن‌های احساسی او به شدت تصنعی است و ژاله صامتی در این فیلم همان نقش «درخونگاه» را بازی می‌کند و مابقی هم فقط حضور دارند، مثل بهاره کیان‌افشار که بازی‌اش ضعیف‌تر از همیشه است. «پسر کشی» اثری فراموش‌شدنی است که برای فیلمسازش فیلمی خنثی محسوب می‌شود.

### مرادی کرمانی: شیرین‌نویسی در ادبیات کودکان و نوجوانان اهمیت دارد

## به ثبت آثارم در کمیته حافظه ملی ایران افتخار می‌کنم

**هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده کودک و نوجوان بر اهمیت شیرین‌نویسی داستان درباره کودک در حوزه ادبیات کودک و نوجوان تأکید کرد.**

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده معاصر ایرانی به مناسبت روز ملی ادبیات کودک و نوجوان به تشریح شیرین‌نویسی داستان برای کودکان و نوجوانان اشاره کرد و با تشویق خانواده‌ها برای خواندن کتاب برای کودکان در ایام کرونا گفت: مسلماً در ایام کرونا مطالعه کتاب به خصوص کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان از بیرون رفتن بسیار مفیدتر است. مرادی کرمانی درباره شیرین‌نویسی ادبیات به خصوص در حوزه کودک و نوجوان به مصادیق و آثار نویسندگانی مانند زنده‌یاد محمدابراهیم باستانی پاریزی اشاره کرد و گفت: بنده همیشه گفته‌ام که زنده‌یاد باستانی پاریزی با شیرین‌نویسی ادبیات در حوزه تاریخ، توانست تاریخ را از مدارس و دانشگاه به خانه‌ها ببرد، کما اینکه برخی عنوان می‌کنند که این نویسنده کرمانی در کتاب‌های تاریخ خود بیشتر به سبک رمان قلم زده اما مهم این است که تاریخ را به شیرینی بیان کرده است.

نویسنده کتاب «قصه‌های مجید» گفت: در زمینه شیرین‌نویسی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز باید فرد نویسنده شرایط اجتماعی و جغرافیایی را زندگی و تجربه کرده باشد، یعنی اینگونه نیست که شیرین‌نویسی بر اساس یک نوع تکنیک و فرمول خاصی صورت گیرد، بلکه به شرایط زندگی فرد نویسنده نیز بستگی دارد. وی توضیح داد: به عنوان مثال در دوران جنگ فردی در اردوگاه‌های آلمان نازی یک سمفونی نوشت و پس از مرگ او، موسیقیدان‌های دیگر نمی‌توانستند آن سمفونی را اجرا کنند چراکه افراد دیگر شرایط اردوگاه زندان را درک نکرده بودند و نمی‌توانستند آن سمفونی را اجرا کنند، بنابراین شرایط زندگی نویسنده در نوع قلم و شیرین‌نویسی او به خصوص در حوزه کودک و نوجوان اهمیت بسیار دارد. مرادی کرمانی با اشاره به این مطلب که در نوشتن داستان‌های خود برای کودک و نوجوان عنصر شیرین‌نویسی، مفید و سرگرم‌کننده و شادی‌بخش بودن را در نظر گرفته است، گفت: در نگارش کتاب برای کودکان و نوجوانان همواره سعی کرده‌ام شیرین‌نویسی را با در نظر گرفتن عنصر شادی رعایت کنم که می‌توان به داستان‌هایی مانند «قصه‌های مجید»، «خمره» و «مربای شیرین» اشاره کرد.

هوشنگ مرادی کرمانی درباره ثبت مجموعه آثار خود در کمیته حافظه ملی ایران گفت: سال گذشته مجموع آثارم به همت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و با حمایت و توجه دکتر بروجردی ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی به ثبت رسید که بسیار خوشحالم و برای بنده افتخاری است.

خبر

## شورای صنفی نمایش در برنامه اکران فیلم‌های جدید تجدیدنظر کند

**یک پخش‌کننده سینما تأکید کرد شورای صنفی نمایش در برنامه اکران فیلم‌های جدید باید تجدیدنظر کند.**

علی سرتیپی که پخش فیلم «شنای پروانه» و نیز مدیریت پردیس سینمایی کوروش را برعهده دارد، درباره وضعیت فروش فیلم‌ها و آمار مخاطبان سینماها به ایسنا گفت: با افزایش آمار مبتلایان به کرونا قاعدتاً وضع سینماها مناسب نیست، در حالی که در روزهای ابتدایی بازگشایی شرایط بهتر بود. الان هم گاهی توصیه‌هایی برای نرفتن به سینماها گفته می‌شود اما واقعیت این است که سینما با توجه به فاصله‌گذاری و پروتکل‌هایی که در آن رعایت می‌شود، نسبت به خیلی از مکان‌های دیگر امن‌تر است، با این وجود نمی‌توان مردم را مجبور یا حتی تشویق کرد تا به سینما بروند، چون شرایط خیلی سخت است.

او با اشاره به انصراف سازندگان یکی از فیلم‌هایی که قرار بود از ۲۵تیر اکران شود (پیشی‌میشی) افزود: با توجه به فضای عمومی جامعه به نظرم اکران فیلم‌های جدید برای صاحبان فیلم‌ها هم مناسب نیست و شورای صنفی نمایش باید در جلسه آینده خود، با این شرایط خاص کشور در برنامه اعلام شده بازنگری کند، چون باید برای بهتر شدن اوضاع صبر کنیم تا آمارهای مربوط به کرونا پایین بیاید ولی این اتفاق با سرعت رخ نمی‌دهد.

سرتیپی همچنین آمار فروش و حضور مخاطب در پردیس سینمایی کوروش را کمتر از یک‌چهارم گذشته عنوان کرد. طبق تصمیم شورای صنفی نمایش قرار است از ۲۵تیر سه فیلم «زن‌ها فرشته‌اند ۲» آرش معیریان، «آنجا همان ساعت» سیروس الوند و «پیشی‌میشی» حسین قناعت اکران شوند که فعلاً فیلم «پیشی‌میشی» انصراف داده است.

## واکنش به تحقیر تولیدکننده در برنامه «پایش»

### مسئول برنامه شبکه یک سیما از رفتار مجری عذرخواهی کرد

**در برنامه‌ای که انتظار می‌رفت از تولیدکننده تقدیر و تمجید و شأن و منزلت تولید قدر دانسته شود، تولیدکننده جوان مورد استهزا قرار گرفت و انتقادات به این رفتار موجب عذرخواهی یکی از مدیران سیما شد.**

حمایت از تولید ملی وظیفه و تکلیف همه دستگاه‌های کشور به ویژه رسانه ملی است و در این سال‌ها که کشور بیش از همیشه از رکود تولید ملی در حال لطمه خوردن است و حجم نقدینگی به جای هدایت به سمت تولید به بازارهای طلا و ارز هجوم می‌برد، انتظار می‌رود رسانه ملی متعهدانه‌تر در این میدان قدم بگذارد و برنامه‌های اقتصادی به معنای واقعی در خدمت این مسئله قرار بگیرند. بدیهی است مجری برنامه‌ای که در گستره‌ای ملی پخش می‌شود لازم است آداب سخن گفتن را بلد باشد و از به کار بردن لحن و عبارات چاله‌میدانی پرهیز کند. اگر در یک برنامه با محوریت اقتصاد کمترین شئون اخلاقی رعایت نشود، چه انتظاری می‌رود که برنامه‌هایی از این دست بتوانند تأثیری مثبت و سازنده بر اقتصاد بیمار ایران بگذارند. اساساً بیماری اقتصاد و بداخلاقی‌های اقتصادی بیش و پیش از همه از بیماری‌های اخلاقی و روانی افراد جامعه نشئت می‌گیرند و اگر حداقل‌های اخلاقی در برنامه‌ای که مدعی اصلاح است رعایت نشود، اتفاق سازنده‌ای رقم نخواهد خورد.

برنامه پایش اخیراً از یک تولیدکننده گوشی دعوت به عمل آورد تا علی‌القاعده از وی تقدیر و تشکر شود اما مجری برنامه به طرزی عجیب این تولیدکننده جوان را مورد استهزا قرار داد. فیلم برخورد مجری با این تهیه‌کننده در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود و اعتراضات و انتقادات به این رفتار بالا می‌گیرد و همین باعث می‌شود تا مدیر گروه اقتصادی شبکه یک و مسئول جشنواره کارآفرینی برنامه پایش در پیامی از این بابت عذرخواهی کند.

سیدامیر سیاح در این باره می‌نویسد: «قطعاً لازم است گروه برنامه‌ساز و مجری در نقش وکیل مدافع مردمی که خواهان سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای نوپا هستند، سود و زیان کار را مشخص کنند و از فعالیت‌های تولیدی معرفی شده چهره سودآور کاذب و غیرواقعی ارائه ندهند، البته در کنار شفافیت میهمان، سعه صدر و متانت مجری از الزامات اجرای برنامه است و وی موظف است شئون میهمان را در آداب گفت‌وگوی تلویزیونی رعایت کند. اخیراً فیلمی از یک قسمت در فضای مجازی منتشر شد که ناراحت‌کننده و محل پوزش است، به عرق جبین کارآفرینان واقعی ایران می‌بالیم و در راه خدمت به اقتصاد کشور ثابت‌قدم و متعهد هستیم.»